



## عصر غیبت یاورانی با بصیرت طلب می‌کند / اوصاف یاوران امام زمان (عج)

حجت الاسلام حسنلو گفت: عصر غیبت منتظرانی با بصیرت برای اداره جامعه طلب می‌کند. در روایات از یاوران و منتظران، ایجاد و تقویت صفت «ورع» خواسته شده است. ورع، به انسان بصیرت در انتخاب می‌دهد.

حجت الاسلام حسنلو گفت: عصر غیبت منتظرانی با بصیرت برای اداره جامعه طلب می‌کند. در روایات از یاوران و منتظران، ایجاد و تقویت صفت «ورع» خواسته شده است. ورع، به انسان بصیرت در انتخاب می‌دهد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه: بسیار خواننده و شنیده ایم که منتظران واقعی کسانی هستند که در زندگی همواره امام غایب را ناظر بر اعمال بدانند و به گونه ای رفتار کنند که رضایت آن امام همام حاصل شود. به بیان دیگر افراد باید از درون خود انقلابی اساسی را رقم زده و جامعه به معنای واقعی کلمه در انتظار فرج باشد. اما چنین مسأله ای با عاقبت طلبی، حرف و شعار محقق نمی‌شود. منتظر واقعی امام زمان (عج) نه تنها در گفتار که در کردار نیز مهدی باور است.

به مناسبت فرارسیدن نیمه شعبان، سالروز ولادت امام عصر (عج) با حجت الاسلام «امیر علی حسنلو»، مدیر گروه تاریخ مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه های علمیه گفت وگویی داشتیم که در ادامه می‌خوانید؛

\*آنچه که در روایات نسبت به وجود مقدس امام عصر (عج) مطرح می‌شود، حکایت از آن دارد که حضرت از حال شیعیان خود آگاه هستند. با توجه به اینکه در روز ولادت آن امام همام قرار گرفته ایم نسبت به مسأله و تفضل حضرت در زمان غیبت نسبت به شیعیان برای مخاطبان ما صحبت بفرمائید.

وجود جمعی از عالمان و بزرگان شیعه که خود با واسطه‌هایی کم، دوره‌های تربیتی و تعلیمی ائمه طاهرين (ع) را دیده بودند از فیلسوف بزرگ ابو نصر فارابی و دیگر بزرگان نقل شده است که گفته اند؛ هنگامی که رئیس مدینه فاضله غایب بود باید به سنن و قوانین پیشینیان او عمل کرد، علمای بزرگ تشیع نیز همین سیره را عملی کرده اند. این است که با وجود این میراث هدایتی و تربیتی بزرگ در ابعاد گوناگون مسائل زندگی و با اصل «نیابت عامه» در عصر غیبت کبری می‌نگریم که آثار وجودی حجت در دوران غیبت نیز طبق گفته حضرت منتفی و منقطع نشده است؛ ابان بن عبد الله می‌گوید به حضرت رضا (ع) عرض کردم که برای من و خانواده ام دعایی فرما، فرمود: «مگر من دعا نمی‌کنم! به خدا قسم اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می‌شود آیا کتاب خداوند عزوجل را نمی‌خوانی که می‌گوید: (خدا و پیامبرش و مؤمنان عمل شما را می‌بینند)....» (اصول کافی، ج ۲، باب عرض الاعمال علی النبی و الائمه).

پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نسبت به اعمال عبادی و رویدادهای عالم عموماً از طریق الهام خداوند و راه‌های اعجاز و غیر طبیعی که حقیقت آن بر ما پوشیده است، آگاه می‌شوند و چون بر اساس اعتقاد ما شیعیان، حضرت بقیه الله (عج) یکی از پیشوایان و ائمه معصومین (ع) است و زمامداری فعلی جهان با آن حضرت است، حتماً باید موید به الهام الهی باشد و وقتی مورد الهام الهی بوده و خداوند از طرق مختلف او را نسبت به کل آنچه در عالم می‌گذرد آگاه می‌سازد

بنابر این پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) نسبت به اعمال عبادی و رویدادهای عالم عموماً از طریق الهام خداوند و راه‌های اعجاز و غیر طبیعی که حقیقت آن بر ما پوشیده است، آگاه می‌شوند و چون بر اساس اعتقاد ما شیعیان، حضرت بقیه الله (عج) یکی از پیشوایان و ائمه معصومین (ع) است و زمامداری فعلی جهان با آن حضرت است، حتماً باید موید به الهام الهی باشد و وقتی مورد الهام الهی بوده و خداوند از طرق مختلف او را نسبت به کل آنچه در عالم می‌گذرد آگاه می‌سازد و بر اساس ولایت تکوینی و معنوی که بر عالم دارد، به اذن خداوند ممکن است در بعضی از حوادث چه شخصی و چه عمومی از قبیل هدایت و دست‌گیری و رفع مشکلات شیعیان و یا دفع ضررها و آسیب دشمنان و یا سایر پدیده‌های عالم، تصرف کند.

در توقیعی که برای عالم جلیل القدر شیخ مفید قدس سره از ناحیه مقدسه نقل شده می‌خوانیم که امام (ع) می‌فرماید: «&hellip; سلام بر تو ای دوست مخلص در دین که در اعتقاد به ما با علم و یقین امتیاز داری&hellip; هرچند ما در جایی منزل کرده ایم، که از محل سکونت ستمگران دور است و این هم به علتی است که خداوند صلاح ما و شیعیان با ایمان را تا زمانی که دولت دنیا از آن فاسقان می‌باشد در این دیده است، ولی در عین حال از اخبار و اوضاع شما کاملاً آگاهیم و چیزی از آن بر ما پوشیده نمی‌ماند.... ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر

نبرده ایم و اگر جز این بود از هر سو گرفتاری به شما رو می آورد و دشمنان شما، شما را از میان می بردند.» (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۲۲) بنا بر این، امام علیه السلام با توجه به آگاهی و سیطره علمی که بر امور دارد می تواند مستقیماً در اثر ولایت تکوینی و معنوی که دارد در امور تصرف نموده و اقدام به رفع و دفع مشکلات شیعیان و گرفتاران نماید.

و نیز می تواند به واسطه اسباب و افرادی که در زمان غیبت کبرا در خدمت آن حضرت است اقدام نمایند، زیرا بر اساس برخی روایات عده ای از شیعیان و افراد مخلص در محضر آن حضرت مشغول خدمت اند. از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «قائم علیه السلام دو غیبت دارد یکی کوتاه و دیگری دراز، در اولی جز شیعیان خاص کسی جای او را نمی داند و در دیگری تنها خادمین محرم او جای او را می دانند.» (اصول کافی، ج ۲، ص ۵۷۵). که به امر امام علیه السلام مشغول خدمت در اقصی نقاط عالم می باشند. پس هم اکنون حضرت مهدی علیه السلام در تنهایی زندگی نمی کند؛ بلکه همیشه عده ای در محضر آن حضرت اند که امام علیه السلام گاهی در انجام امور از آنها کمک می گیرد.

چنانکه اشاره شد براساس توقیع مبارکشان آن حضرت وظیفه ما را در عصر غیبت معلوم کرده اند که «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا فانهم حجتی و انا حجة الله؛ در واقعه های جدید به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت های من هستند و من حجت خدایم.» (احتجاج، ج ۲، ص ۲۸۲). پس آنچه از این توقیع مبارک فهمیده می شود این است که آن حضرت ما را رها نکرده اند، بلکه نظر و الطاف و افاضات خویش را بر عالم دارد، اما به خاطر علت هایی که از جانب ماست غایب شده است در این موقعیت زمانی حضرت مردم را به علمای ربّانی ارجاع می دهد که آنها بر ما حجت هستند و اگر مشکلی اعتقادی و یا مسائل شرعی و... در امور دین داشته باشیم بایستی به آنها رجوع کنیم، چرا که حضرت اتمام حجت کرده اند، پس در نتیجه هدایت الهی قطع نشده است، چرا که علما با افاضاتی که حضرت به آنها دارد واسطه هدایت و ولایت بر مردم در امور دینی و شرعی هستند.

تا زمانی که آمادگی برای پذیرش برنامه های حضرت حجت پدید نیاید و مردم دنیا از آن استقبال ننمایند، ظهور تحقق نمی یابد و غیبت همچنان به طول خواهد انجامید

بدون شک تا زمانی که آمادگی برای پذیرش برنامه های حضرت حجت پدید نیاید و مردم دنیا از آن استقبال ننمایند، ظهور تحقق نمی یابد و غیبت همچنان به طول خواهد انجامید. از این نظر می توان گفت بی لیاقتی مردم یکی از عوامل تحقق غیبت و تداوم آن به شمار می رود که توقیع شریف مورد سوال به آن اشاره دارد: «و اگر چنانچه شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند. همدل می شدند، هرگز سعادت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می گشت؛ دیداری بر مبنای معرفت راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما. پس ما را از ایشان دور نمی دارد، مگر آن دسته از کردارهای آنان که ما را ناپسند و ناخوشایند است و از آنان روا نمی دانیم.» (تاریخ غیبت کبرا، ص ۷۴ و ۱۹۶)

مراد از وفای به عهد، عهد انسان نسبت به پیروی از خداوند متعال و حجج الهی و دستورات دینی و عدم ارتکاب گناه است.

\*مسأله نذر برای امام غایب در میان مردم از جایگاهی خاص برخوردار است و هرکسی در حد بضاعت تلاش می کند در ایام نیمه شعبان، خدمتی انجام دهد. آیا نذورات برای امام زمان در روایات اشاره شده است و کیفیت این نذورات با توجه به اینکه همواره مورد استقبال مردم بوده باید چگونه باشد؟

قبل از پاسخ به این پرسش مقدمه ای را بیان می کنم، نذر برای پیامبر اکرم (ص) ریشه قرآنی دارد، نذورات پیامبر (ص) پس از حضرت به فرزندان و اهل بیت اش می رسید و این رویه قرن ها استمرار داشته ضمن اینکه دوستداران اهل بیت (ع) نذوراتی مستقل برای امیر مؤمنان (ع) و حضرت فاطمه (س) داشته اند؛ لذا در فقه اسلامی مباحث مفصلی در باب نذر با مستندات قرآنی و روایی مطرح گردیده است؛ دامنه بحث نذر به وقف و موقوفات کشیده شده است؛ موقوفاتی فراوان در این فرآیند در تاریخ اسلام درباره اهل بیت (ع) به وجود آمده است؛ این موقوفات و نذورات مایه برکات اقتصادی و تمدنی گردیده و در مصارف عام المنفعه آموزشی و پژوهشی مورد استفاده و فواید بی شماری از نظر علمی و فرهنگی و تمدنی و بهداشتی در باب مراکز درمانی در جوامع اسلامی به وجود آورده است که در جای خود بحث طولانی می طلبد.

درباره ائمه (ع) موقوفات مفصل و نذورات عمده وجود داشته است؛ درباره امام زمان (عج) نیز موقوفات و نذورات زیادی از سوی دوستداران تقدیم گردیده که در برگزاری جشن های نیمه شعبان این نذورات مورد استفاده بوده و موقوفات خاصی نیز از سوی دوستداران برای احیای این جشن ها وزنده داشت نام و سالروز تولد حضرت از سوی دوستداران آن حضرت

در نظر گرفته شده است؛ این رویه در میان شیعه به حدی جا افتاده بوده است که حتی مکان های خاص و اموال خاصی اختصاص به این مهم داده شده است؛ نذوراتی در رونق و رشد تمدنی و فرهنگی نمودهای فراوانی دیده شده است از ساختن مدارس دینی و مدارس آموزشی و در زمینه چاپ و نشر کتاب و ساختن مراکز درمانی که ابتدا به صورت نذر بوده و سرانجام تبدیل به موقوفات دائمی گردیده و زمینه ساز خیرات و برکات مادی و معنوی به جامعه اسلامی شده است؛ از این رو محبان و دوستداران حضرت در وسیع توان خود نذورات معنوی و مادی متنوعی درباره حضرت داشته اند؛ از نذر صلوات برای سلامتی حضرت تا نذرهای بزرگ اطعام و نذر تأمین هزینه های زیارتی تا نذر در زمینه های درمانی که برخی از پزشکان و اطبا نذر می نمودند ایامی را بیماران مراجعه کننده را رایگان و بدون دریافت ویزیت معاینه و حتی عمل جراحی نمایند؛ این نذورات چنانکه عرض کردم ریشه مشروع و مبانی قرآنی و فقهی بسیار متقن و استوار داشته است و همچنان استمرار دارد.

جا دارد در این زمینه کارهای پژوهشی میدانی و پایان نامه های علمی نگاشته شده و مسئولین نهادهای فرهنگی برنامه ای دقیق در این باره از طریق شناسایی این موارد تهیه نموده و جهت ارتقا و ترویج این امور خیر و فرهنگ سازی بیشتر به جهت اثرگذاری اهتمام داشته باشند. صدا و سیما فیلمها و برنامه هایی در این زمینه تهیه و به مردم ارائه نماید. نمونه های زیادی درباره نذورات برای امام زمان (عج) و صلوات الله علیه وجود داشته است که هنوز شناخته نشده است و نیاز به معرفی دارد؛ همین جشن های نیمه شعبان بانیانی داشته که مدت پنجاه سال به صورت نذری اطعام این مجالس را عهده دار بوده اند در شهرها و روستا همه اینها نیازمند شناسایی و تبیین از جهت برکاتی معنوی که داشته اند نیازمند تبیین هستند.

یک جامعه اسلامی چون جامعه ما که ملتزم به سیره ائمه اطهار است، چگونه باید خود را برای ظهور حضرت آماده کند و در این میان انجام امور واجب و مستحب آیا تأثیری دارد؟ میان یاوران عصر ظهور و یاوران عصر غیبت، ارتباط است. یآوری دوران ظهور، از مسیر یآوری در عصر غیبت می گذرد. پس، باید زمینه های ظهور را در عصر غیبت فراهم ساخت و با کوششی زمینه سازانه در جهت تسریع به ظهور قدم برداشت؛ چنان که در روایات به صورت کلی از هر شیعه می خواهد امام زمانش را یاری نماید. امام علی (ع) در نامه ای به «عثمان بن حنیف» به چهارگونه یاری و دستور می دهد: «لکن فأعیونی یورع و إجتهد و عقّه و سیداً» (نهج البلاغه، خ ۱۱۸). به یقین یاوران امام زمان (عج) نیز باید ویژگی یاوران امام علی (ع) را داشته باشند.

برخی از اوصافی که در روایات تأکید شده برای یاوران امام (عج) را در ادامه بر می شمردم؛

میان یاوران عصر ظهور و یاوران عصر غیبت، ارتباط است. یآوری دوران ظهور، از مسیر یآوری در عصر غیبت می گذرد. پس، باید زمینه های ظهور را در عصر غیبت فراهم ساخت و با کوششی زمینه سازانه در جهت تسریع به ظهور قدم برداشت

۱. پرهیزکاری: این نکته و این واژه با عبارت های مختلف از چند امام نقل شده و در آن ها از شیعیان اعانت به ورع و اجتهاد خواسته شده است (الکافی ج ۸، ص ۲۱۲) در روایات متعددی از یاوران و منتظران، ایجاد و تقویت صفت «ورع» خواسته شده است. ورع، به انسان بصیرت در انتخاب می دهد. یاور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باید دنیا را همانند میدان مین ببیند و در اندیشه باشد که مبادا با انتخاب نادرست، امامش را دلگیر کند و مبادا با چنین انتخابی ظهور او را به عقب بیندازد. آری، اگر توابع کمی وقت شناس بودند؛ شیرینی قیام امام حسین (ع) را به جهانیان می چشانند.

۲. تلاش و پشتکار در اجرای وظایف: انسان سالیان متمادی تلاش کرد تا به علم و تکنولوژی فعلی دست یافت؛ توانست به کره ماه رود و به توان مندی های زیادی دست یابد؛ ظهور مهدی (عج) نیز تلاش و زمینه سازی فردی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی می طلبد.

۳. عفت و پاکدامنی و دوری از هوا و هوس: یاور مهدی (عج) باید مرد عمل باشد و با عفت عملی، خود، و جامعه را به سوی ظهور هدایت کند. «گوئوا دعاءاً للناس بغير ألسنتکم» (الکافی، ج ۲، ص ۷۸)، همیشه بر گوش یاوران طنین انداز است. از این رو، همیشه خود بهترین رفتار را انتخاب و مردم را به بهترین رفتار در جهت سرعت بخشیدن به ظهور دعوت می کند.

۴. استواری رفتار: «سداد»، کامل ترین شکل یاری امام عصر است و عبارت است از: پر کردن شکاف ها و رفع کمبودها و کاستی ها. آنان که به یاری معصوم (علیه السلام) نظر دارند، ابتدا می بایست کاستی های خود و جامعه را جبران

نمایند و خود را به سطح بالاتری از یآوری امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برسانند. شیخ مفید از جمله علمایی است که با رسیدن به عنوان «سدید»، امام او را به برادری برگزید؛ (احتجاج، ج ۲، ص ۳۲۲). پیامبر (صلی الله علیه و آله) نیز اینگونه دانشمندان را در آخرالزمان «برادران» خود خوانده بود (صفا رقی، بصائر الدرجات، ص ۱۰۴).

روایاتی نیز وجود دارد که به نوعی منتظران را به یاری امام مهدی (عج) و تشویق می کنند و آنان را بهترین مردم می شمارند.

در حدیث قدسی آمده است: «أحبّ الخلق إلى القوامون بحقی، و أفضلهم لدى و أكرمهم علی محمد صلی الله علیه و آله و سلم سید الوری و أفضلهم بعده علیّ أخو المصطفی المرتضی، ثم من بعده من القوامین بالقسط من أئمة الحق، و أفضل الناس بعدهم من أعانهم علی حقهم، و أحبّ الخلق إلى بعدهم من أحبهم و أبغض أعداءهم و إن لم یمكنه معونتهم» (تفسیر الامام العسکری علیه السلام، ص ۴۳؛ بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۹۶). محبوب ترین مردم نزد من کسانی هستند که حق مرا به پا می دارند. افضل و اکرم مردم نزد من محمد (ص) و امامان (ع) هستند و بعد از آنان، کسانی هستند که معصومان را در رسیدن به حقشان یاری می رسانند.

امام باقر (ع) فرمودند: «مَنْ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ عَلَى عَدُوِّنَا أَنْطَقَهُ اللَّهُ بِحُجَّتِهِ يَوْمَ مَوْفِقِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ عَزَّوَجَلَّ هَر كَسٍ مَا رَا بِا زِيَانِ خُودِ يَارِي كُنْدِ خُدَايَ مُتَعَالٍ رُوزِ قِيَامَتِ زَبَانِش رَا كُويَا كُرْدَانِد.»

نیز امام علی علیه السلام فرمودند: «نَاصِرُنَا وَ مَحَبِّبُنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ» یاری کننده دوست دار ما منتظر رحمت باشد (نهج البلاغه، خ ۱۰۸).

این دسته از روایات، با بیان جایگاه یاران امامان که پس از پیامبر و ائمه افضل مردم هستند و این که چنین یاری در رحمت الهی را می گشاید و سعادت ابدی برای آنان به ارمغان می آورد؛ شیعیان را به قدم نهادن در جهت یاری ائمه تشویق می کنند.

عبارت «مَنْ أَعَانَهُمْ عَلَى حَقِّهِمْ» در روایت اول، گویای این مطلب است که یاری باید زمینه گرفتن حق ائمه (ع) و حکومت آنان را فراهم سازد (القوامین بالقسط). این امر در زمان غیبت با تسریع به ظهور (زمینه سازی ظهور) امکان پذیر است. نیز عبارت «مَنْ أَعَانَنَا بِلِسَانِهِ عَلَى عَدُوِّنَا»، بر شیوه ای از یاری تأکید می کند که غایت آن، یاری رساندن به ائمه تا پیروزی بر دشمنان است، در زمان غیبت، یاوران، زمینه غلبه نهایی حق بر باطل را ایجاد یا به اندازه توان خود در نزدیک شدن ظهور تلاش می کنند. اگر هشام بن حکم به مدال با ارزش «هَذَا نَاصِرُنَا بَقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ» (سیدرضی، ۱۴۱: ص ۵۲ و بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۲۹۵). از ناحیه امام زمانش دست یافت، یاوران مهدی نیز با زمینه سازی برای ظهورش می توانند به چنین افتخاری، بلکه افتخار «برترین یاوران» (اکمال الدین، ص ۳۱۹) نائل آیند.

در برخی روایات مهدوی وجود یاران ویژه، از شرایط ظهور شمرده می شود؛ به طوری که هر گاه آنان کامل شوند، ظهور تحقق می یابد. امام باقر (ع) می فرماید: «لَوْ اجْتَمَعَ عَلَى الْإِمَامِ عِدَّةٌ أَهْلُ بَدْرِ ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بِيَضْعَةِ عَشْرِ رَجُلًا لَوَجَبَ عَلَيْهِ الْخُرُوجُ بِالسَّيْفِ» (مجموعه آثار شیخ مفید ج ۷، ص ۱۳). اگر به عدد لشکریان اسلام در جنگ بدر (۳۱۲ نفر) گرد امام جمع شوند، قیام مسلحانه بر امام واجب می شود.

امام صادق (ع) فرمودند: «لَوْ كَمَلَتِ الْعِدَّةُ الْمَوْصُوفَةُ ثَلَاثِمِائَةً وَ بِيَضْعَةِ عَشْرِ كَانَ الَّذِي تُرِيدُونَ» (غیبت نعمانی، ۱۳۸۳: ص ۲۱۰). هرگاه سیصد و اندی نفر کامل شوند، آنچه که اراده دارید به وقوع می پیوندد.

نیز ذیل روایت دیگر، با عبارتی واضح تر چنین بیان می شود: «أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ»، یا «لِقَامَ قَائِمُنَا» (احتجاج، ص ۶۳).

روایاتی که علت محروم شدن از ظهور معصوم (ع) در بین مردم را عدم یاران محافظ بیان می کند: امام صادق (ع) فرمود: زمانی که ابوطالب فوت کرد جبرئیل بر پیامبر نازل شد و عرض کرد یا محمد از مکه خارج شو. در این شهر یار و یآوری نداری. پیامبر هراسان از مکه خارج شد (الکافی، ج ۱، ص ۴۴۹).

یا روایاتی که اشاره دارند پیامبران و امامان به سبب نداشتن یار و یاور کشته شدند: «أَنْبِيَاءُ اللَّهِ لَمْ يُنْصَرُوا فِي الدُّنْيَا وَ قَتِلُوا وَ الْأَيُّمَةُ مِنْ بَعْدِهِمْ قَتِلُوا وَ لَمْ يُنْصَرُوا» (تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۸ و بحار الانوار مجلسی، ج ۵۳، ص ۶۵). پیامبران الهی در دنیا یاری نشده و به قتل رسیدند. امامان پس از آنان نیز یاری نشده و به قتل رسیدند.

در روایات مهدوی نیز یکی از علل غیبت ولی عصر (عج) خوف قتل شمرده می شود؛ چنان که زراره از امام صادق (ع) علت غیبت امام زمان (عج) الشریف را می پرسد. امام صادق علیه السلام در جواب او می فرماید: «يُخَافُ عَلَي نَفْسِهِ» بر جاننش می ترسید (اکمال الدین، ص ۴۸۱).

جامعه مهدی یاور، باید یاری اش به گونه ای باشد که موانع ظهور حضرت، همانند خوف قتل را از بین ببرد و بدین وسیله زمینه ظهور حضرت را فراهم آورد. مهدی یاوران نمی توانند به حداقل ها بسنده، یا با روی آوردن به ظاهر بعضی عبادات خیال کنند تمام تکلیف خود را انجام داده اند. یاوران مهدی باید اعمالش مانع ظهور را کم رنگ کند یا آن را از بین ببرد و سبب ظهور را ایجاد کند. آیا رفتارهای غیر مسئولانه و گزینشی که با عافیت طلبی سازگار است، می تواند ادعای یاور مهدی بودن را به اثبات برساند؟!

در دعای عهد می خوانیم: «اللهم إني أُجِدُّ له في صَبِيحَةِ هذا اليوم و ما عِشْتُ مِن أَيَّامِي عَهْدًا و عَقْدًا و بَيْعَةً؛ خدایا در این صبح و روزهای دیگر، پیمانم را با تو تجدید می کنم. و سپس آن پیمان ها را می شمارد: «اللهم اجْعَلْنِي مِن أَنْصَارِهِ و أَعْوَانِهِ و الذَّابِّينَ عَنْهُ و الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ و الْمُتَمَتِّلِينَ لِأَوَامِرِهِ و الْمُحَامِلِينَ عَنْهُ و السَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ و المُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ.» خدایا مرا از یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار ده و از کسانی که از او دفاع کرده و حوائج او را برآورده می کند و از اوامر او پیروی کرده از او حمایت می کند و برای تحقق اراده امام سبقت می گیرد و در رکاب امام شهید می شود.

یاور مهدی در عصر غیبت باید هر صبح، با امام زمانش عهد یاری ببندد؛ عهدی که پیامبران هم قبل از آن با امامان بستند که یاور آنان باشند و در به ثمر رسیدن اهداف آنان تلاش نمایند. همان گونه که پیامبران، پس از پیمان بستن در جهت زمینه سازی برای پیام آور بعدی تلاش کردند؛ ناصران امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز پس از بستن عهد نمی توانند دست روی دست بگذارند؛ بلکه بر اساس شرایط زمان باید برای ظهور زمینه سازی کنند. دعاهایی که معصوم علیه السلام به ما می آموزد تا از خدای متعال درخواست یاری امام را داشته باشیم: در دعای عهد، از خدا می خواهیم ما را از یاوران مهدی قرار دهد: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِن أَنْصَارِهِ و أَعْوَانِهِ» و سپس گونه های یاری (عون) تا سرحد شهادت را برمی شمارد: گونه های یاری ایجابی: سرعت گیری در برآوردن حوائج امام (المُسَارِعِينَ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ)، لذا باید شرایط آمادگی برای یاری حضرت را از متون ادعیه و منابع ماثور درآورد و برای مردم بیان کرد.

\*آموزه های مهدوی، در شکل گیری تمدن نوین اسلامی که منتهی به حکومت حضرت حجت می شود، چه نقشی ایفا می کنند؟

انسان ها همیشه در آرزوی رسیدن به جامعه ای هستند که در آن، آسایش، رفاه، امنیت و خواسته های معقول وجود داشته و به آسانی به آن برسند، عدالت و برابری نیز خواسته آرمانی دیگر انسان است. در نگرش قرآن، آفرینش و کیهان برای انسان و تأمین نیازهای مادی و معنوی اوست، از این روی عظمت انسان وقتی روشن می شود که عظمت این هستی باز شناخته شود. وقتی این رویکرد و نگرش در قرآن نسبت به انسان وجود دارد، باید هدفی مهم و غایتی بزرگ برای او در پیش روی باشد.

دانشمندان بزرگ برای رسیدن انسان به بستر حرکت به سوی تعالی و جامعه ای ایده آل برنامه و طرح های علمی آرمانی ترتیب داده اند تا انسان ضمن رسیدن به نیازهای «ادنی» به نیازهای «اعلی» توجه و متمرکز شود. افلاطون نقشه «اتوپیا» برای انسانیت طرح می کند. ابونصر فارابی از «مدینه فاضله» سخن می گوید، توماس از «شهر آفتاب» می گوید، «مور» به «بهشت زمینی» نوید می دهد، مارکس جامعه بی طبقه را برای آینده تاریخ پیش بینی می کند. رویکرد نخبگان بشری به سوی جامعه آرمانی و رسیدن به آن بوده و برای رسیدن به آن طرح های فراوانی ارائه داده اند. بنابراین انسان در هستی مقام و منزلتی دارد و رسیدن به غایت عالی برای او مهم بوده است، این خود نکته ای مهم است که انسان ها در کنار نیازهای مادی، به یک ضرورت توجه خاص دارند و آن غایتمندی تاریخ است. هر کس بر اساس جهان بینی خود غایتی برای تاریخ پیش بینی نموده است؛ در اندیشه شیعه که برگرفته از آموزه های قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) است این غایت آمدن انسان کامل و شکل گیری مدینه فاضله است که باید برای فراهم شدن آن شرایطی فراهم شود و تمدنی نوین براساس آموزه های آن جامعه آرمانی شکل داد؛ به نظر می رسد آموزه های مهدوی در این زمینه بهترین شرایط را فراهم می کند که به سوی آن تمدن حرکت نمود؛ این آموزه ها در روایات اسلامی به خوبی تبیین گردیده که نمونه هایی بیان می شود:

۱. رفع ظلم : رسیدن به جامعه عاری از هر گونه ظلم و تعدی و لبریز از عدالت، آرمان بزرگ انسان و وعده بزرگ الهی

است، که هنوز به صورت کلان و فراگیر محقق نشده تا بشریت تحت لوای این اندیشه زندگی کند، و در فرصت ایجاد شده و امنیت حاصل از آن، به نیازهای فرا مادی خود اندیشه نماید، و آنچه در کتابهای آسمانی وعده داده شده عینیت یابد؛ انسان قرن هاست در حسرت ایجاد امنیت در جهان است، سلاح های آتشین و بمب های اتم علاوه بر خاک و خون کشیدن انسان ها، موجودات دیگر را نیز به آتش خشم و هوا و هوس می سوزاند و نظام هستی را به هم می زند، در روزگاری که جنایت های استعمارگران و امپریالیسم و صهیونیسم، انسانیت را به ستوه آورده و از زندگی نا امید کرده و یأس را بر زندگی انسان ها حاکم نموده است، انسان عصر حاضر چشم انتظار نجات بخش آسمانی است، چنانکه پیش از برانگیخته شدن انبیای الهی، در چنین انتظاری به سر می برد؛ تمدن نوین اسلامی باید به سمت این افق و قله در حرکت باشد چرا که یکی از آموزه های مهم و اساسی مهدویت رفع ظلم است از جامعه پس از گستره عظیم ظلم در جوامع بشری؛

۲- عدالت : یکی از آموزه های مهم قرآن که در روایات مهدوی نیز به آن تاکید شده عدالت جویی و عدالت گستری است که پس از رفع ظلم در جامعه مهدوی به بسط عدل در تمام زمینه ها از جمله عدالت اقتصادی تاکید شده است؛ یکی از محورهای تمدن نوین اسلامی بایسته است حرکت به سوی گستردن دامنه عدالت باشد؛ انسان امروز از لحاظ تکامل اقتصادی و فناوری به حدی پیشرفت کرده که فاصله آن با تکامل معرفتی و معنوی حیرت آور است، جهان غرب رو به سوی بحران بزرگ معنوی نهاده و این بحران را بر جهان حاکم کرده است. انسان متوجه این بحران بزرگ روحی شده و برای رهایی از این بحران معرفتی به دنبال راه نجات است. انواع تجارب حکومتی در جهان ناکارآمدی خود را نشان داده، طبقات حاکم با اندیشه های مختلف و برنامه های متنوع فاقد توان لازم برای اغنای روح بزرگ و عدالت گرای انسان شده اند. بشریت، مارکسیسم و فئودالیته، امپریالیسم و سایر نظام های حکومتی را با تجربه تلخی پشت سر گذاشته و به دنبال چیزی فراتر از این ساختارهاست چون در هیچیک طعم لذت بخش عدالت را نچیده است بلکه هریک به نوعی به سوی ظلم گرایش یافته و ظلم را بیشتر وسعت داده اند. دین اسلام ایدئولوژی و جهان بینی استواری برای رهایی انسان از سرباهای مهلک ارائه داده و از عدالت گستری منجی بزرگی سخن گفته که فراتر از اندیشه های زمینی و پوسیده است؛ ازاین روی باید در تمدن نوین اسلامی به این سمت وسو حرکت شود.

۳. حرکت به سوی آرمان های الهی : شیعه تمدن و جامعه ای آرمانی را برای رهایی از زنگارها و زنجیرهای اسارت قابل تحقق و تجلی می داند که با حرکت تدریجی ندای فطرتهای پاک سازگار است و به تشکیل جامعه مهدوی منجر خواهد شد؛ این آرمان در تمام انقلاب های شیعی از قیام و انقلاب حسینی تا انقلاب اسلامی وجود داشته است؛ حیات واقعی در زمین با همین آرمان خواهی و رسیدن به این آرمان محقق می گردد که در انقلاب جهانی امام زمان (عج) به تکامل و تعیین می رسد.

امام کاظم (ع) در تفسیر آیه «اعلموا ان الله یحیی الارض بعد موتها» می فرماید: خداوند زمین را با مردانی زنده می کند که یاوران مهدی در اجرای عدالت هستند. (مکیال المکارم / ج ۱ / ص ۸۱) انقلاب فراگیر مهدی (عج) انقلابی است که مردم جهان در انتظار آن هستند و از آن استقبال می کنند، مگر اندکی که مخالف آن هستند و آنها نیز در سیل انقلاب آن حضرت محو می شوند. (الارشاد / ص ۲۸۱)

۴. عدالت اقتصادی: یکی از رنج های جوامع بشری نبود عدالت اقتصادی در جوامع است که تمام تمدنهای مادی گرفتار این آسیب هستند؛ در تمدن نوین اسلامی باید در این زمینه توجه عمده باشد رفع فقر که یکی از بسترهای دین گریزی است باید در سر لوحه برنامه های اقتصادی داعیان تمدن نوین اسلامی قرار گیرد؛ انقلابی که در عصر ظهور واقع می شود همه تعادلات از جمله اقتصادی را تحت الشعاع قرار می دهد؛ اقتصاد جهان در این انقلاب دگرگون می شود، فقر از جهان برچیده می شود، خواسته های انسان بیشتر فرامادی شده و نیازهای او تغییر ماهیت می دهد. انسان را از ثروت اندوزی دل زده می کند، از این رو همه مردم به سطحی از زندگی که معاش خود را تحصیل کنند، خواهند رسید. یکی از علل فقر، انحصار ثروت در دست عده خاصی است؛ چنانکه امروزه ۷۵ درصد ثروت جهان در دست اقلیت است. این نظام اقتصادی در عصر مهدوی فرو می پاشد و نظام عدالت محور جایگزین می شود و مردم با امنیت خاطر به نیاز خود می رسند و به آن قانع می شوند.

ثروت اندوزی انسان و علاقه به انباشت نقدینگی و تصاحب املاک، آز و حرص به دارایی و علایقی از این قبیل، از مشکل معرفتی انسان ناشی می شود که اگر این مشکل حل شود، بسیاری از بحران های اقتصادی و فقر طبقاتی از جامعه ریشه کن خواهد شد. نبود برنامه تربیتی و معرفتی، انسان را از مسیر انسانیت به مسیر مادی سوق داده است. وقتی برای تربیت انسان و بیدار کردن وجدان و فطرت الهی برنامه ای ارائه شد، این مشکل رفع خواهد شد.

علاوه بر این، بر اساس روایات معتبر، زمین گنجهای پنهانی خود اعم از معادن و محصولات کشاورزی را در جامعه مهدوی و زیر سایه حکومت آن حضرت بیرون خواهد ریخت. این روایات با آیات قرآن سازگاری دارد. «اگر اهل آبادی ها به خداوند ایمان بیاورند، درهای رحمت و نعمتهای الهی از آسمان و زمین به روی آنها گشوده خواهد شد. (اعراف/۶۹) دوره حکومت مهدی (عج)، اوج ایمان انسان به خداوند شروع می شود «مردم در سایه حکومت مهدوی (عج) بی نیاز می شوند، با روزی های خداوند و برکات او» (منتخب الاثر / ص ۴۸۲) لذا باید در شکل گیری تمدن نوین به آموزه های پی چون

عدالت اقتصادی و توزیع عادلانه ثروت توجه شود تا به مدینه فاضله مهدوی راه یافت. در جامعه مهدوی زمین آباد می شود و هیچ خرابه ای در آن یافت نمی شود و تمدن در اوج شکوفایی خود قرار می گیرد.

۵. حکومت الهی: یکی از توصیفات درزمینه حکومت در عصر ظهور رسیدن به حکومت الهی است؛ لذا باید در شکل دهی تمدن نوین اسلامی به این بسترها توجه ویژه شود؛ انقلاب سیاسی و حکومت امام مهدی (عج) واژگون شدن تمام حکومت های ظالمانه را در پی خواهد داشت. امیرالمؤمنین (ع) در توصیف حکومت او چنین می فرماید: «آگاه باشید فردایی در پیش رو دارید که زمامداری بر شما حکومت خواهد کرد که از همه حکومت های رایج دنیا متفاوت خواهد بود، او با کارگزاران ناشایست برخورد نموده، آنها را کیفر خواهد داد. زمین و آسمان در دوره او از داشته خود مضایقه نکنند و گنجهای خود را به روی او نمایان و عرضه کنند. روش او عادلانه و سنت پیامبر (ص) به وسیله او زنده و با دلایل روشن و برهان های آشکار بر شما حکومت خواهد کرد و لذت عدالت را در سایه حکومت او خواهید چشید، احکام قرآن و سنت نبوی توسط او زنده و نمایان خواهد شد.» (نهج البلاغه / خطبه ۱۸۳) امام رضا (ع) می فرماید: «در حکومت او هرگونه جور و ستم برچیده و زمین از ستمگران پاکیزه و با عدالت فرمانروایی کند و در حکومت او هیچکس تعدی به حقوق دیگری نکند.» (الارشاد / ص ۲۸۴)

۶. امنیت: امنیت به نوبه خود از اساسی ترین بسترهای حکومت و اداره جامعه و یک تمدن درخشان هست؛ بدون امنیت اساساً تمدن معنا نخواهد داشت؛ انسان ها و همه موجودات ذاتاً امنیت گرا هستند، خانه و آشیانه خود را در جای امن و محفوظ بنا می کنند، امنیت، نیاز روحی انسان و مایه ترقی و تعالی و رشد مادی و معنوی انسان است. در سایه امنیت، جوامع تشکیل شده و نسل انسان و حیوانات تزايد یافته، امنیت مساوی با حیات انسانی است، تمدنها و علوم در سایه امنیت شکل گرفته و توسعه یافته است، امنیت اساسی ترین عنصر جوانه زدن تمدن و شکوفایی آن است، امنیت عنصری است که در رشد تمام جوانب حیاتی انسان نقش مهم دارد، امنیت در اقتصاد و توسعه تمام علوم و فنون و حفظ میراث تمدنها و اشکال آن نقش بنیانی دارد.

امروزه مهمترین نیاز از دست رفته انسان ها امنیت است. امنیتی که در قرآن مد نظر است، حقوق تمام موجودات شمرده شده و بسیار دقیق و جامع است. امنیتی که در جامعه مهدوی مد نظر است، با معیار قرآنی برقرار می شود. عدالت گسترگی که روایات در جامعه مهدوی به آن تأکید دارند، برگرفته از امنیت فراگیر و وسیع است.

در جامعه مهدوی، برچیده شدن یکسره ظلم یک وصف حقیقی است که در سایه امنیت حاصل از برکت وجودی آن حضرت محقق خواهد شد. طبق روایات، رعب و وحشت در سایه عدل و قسط آن دادگستر بزرگ محو و نابود خواهد شد. (منتخب الاثر / ص ۴۷۸)

لذا در تمدن نوین اسلامی به این مقوله نیز توجه خاص و ویژه باید باشد در ابعاد مختلف قضیه از امنیت فردی تا اجتماعی. اکنون امنیت به هیچ وجه در جوامع مطلوب نیست بلکه بسیاری از نقاط مختلف دنیا ناامن است و مردم هیچ امنیت روحی و روانی و جانی ندارند بویژه استعمارگران و قدرت های بزرگ امنیت جهان را با تولید سلاحهای مرگ بار کشتار جمعی و ایجاد جنگ های بزرگ در مناطق مختلف از جمله مناطق اسلامی از بین برده اند؛ جنگ هایی که به دست داعش و اسرائیل در منطقه ایجاد شده مناطق اسلامی را نا امن ترین نقاط دنیا نموده است؛ که باید برای از بین بردن اسباب وزمینه های این نا امنی ها که در کشورهای اسلامی از جمله یمن و عراق و شامات و افغانستان بوجود آورده اند شرایط خاص فراهم شود این یکی از زمینه های ضروری تمدن نوین اسلامی است.

در نهایت باید اینگونه نتیجه گیری کرد که بایسته است در پایه ریزی تمدن نوین اسلام به مؤلفه های حکومت جهانی امام مهدی (عج) اندیشیده شده و براساس آنها پایه ریزی نمود تا دست آورده ای تمدنی مورد توجه و مقبول حضرت شود و گرنه همچون سایر تمدنهای مادی از بین خواهد رفت.